



تربیت فرزند صالح از منظر امام حسن مجتبی (ع)

موضوع شناختن عوامل تربیت در این مقال، افزون بر اهمیتی که در خود مسئله تربیت است، به دیدگاه‌های شخصیتی برمی‌گردد که خود، نمونه بارزی از یک انسان کامل و تربیت‌یافته در مکتب نبوی...

طلیعه

موضوع شناختن عوامل تربیت در این مقال، افزون بر اهمیتی که در خود مسئله تربیت است، به دیدگاه‌های شخصیتی برمی‌گردد که خود، نمونه بارزی از یک انسان کامل و تربیت‌یافته در مکتب نبوی، علوی و فاطمی است. همچنین او پرورش‌دهنده فرزندان است که هر کدام، اسوه‌هایی عالی‌اند و تجلی ارزشهای والای انسانی در تاریخ بشر شمرده می‌شوند؛ همان شخصیتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره

مقام ارجمند وی می‌فرماید:

حسن، پسر من، و فرزند من و از من است، او نور چشم من و روشنایی قلب من، و میوه جان من است، او سید و آقای جوانان اهل بهشت و حجت خدا بر امت من است.

دستورهای او دستورهای من و سخن او سخن من است. کسی که از او پیروی کند او از من است و کسی که با دستورهای او مخالفت کند از من نیست. (1؛ raquo)

همچنین درباره اسوه تربیتی بودن او و پدر و مادرش فرمود: خداوند، علی و همسرش، [فاطمه] و فرزندانش را حجت‌های خویش بر آفریدگانش قرار داده است. آنان در میان امت من درهای دانش‌اند، هر که به آنان راه یافت به راه راست هدایت یافته است. (2؛ raquo)

عظمت و شکوه شخصیت حضرت مجتبی علیه‌السلام به حدی است که گویندگان، نویسندگان و اندیشمندان نتوانسته‌اند افق‌های اندیشه خود درباره آن گرمی را به جایی برسانند و تا کنون هیچ‌یک از ساحل‌نشینان این دریای ژرف و بی‌کرانه، نتوانسته‌اند تصور کاملی از ابعاد وجودی آن بزرگوار ارائه دهند؛ حتی مخالفان و دشمنان آن حضرت درباره اسوه بودن او در فضائل اخلاقی، اتفاق نظر دارند.

ابن حجر عسقلانی از دانشمندان اهل سنت می‌نویسد که وقتی

حسن بن علی علیه‌السلام از دنیا رفت، یکی از دشمنان سرسخت آن حضرت در تشییع جنازه او گریه می‌کرد. حسین بن علی به او گفت: 171#& تو با آن همه اذیت و آزار و مخالفت که درباره برادرم روا می‌داشتی باز هم گریه می‌کنی؟!& raquo او گفت: 171#& من با کسی دشمنی می‌کردم که صبورتر و حلیم‌تر از این کوه‌ها بود. (3؛ raquo)

درباره مقام بلند و رفیع آن حضرت، همین قدر کافی است که

حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام می‌فرماید: 171#& مَا تَكَلَّمَ الْحُسَيْنُ بَيْنَ يَدَيِ الْحَسَنِ إِعْظَامًا لَهُ؛ (4) امام حسین علیه‌السلام به سبب بزرگداشت امام حسن علیه‌السلام هیچ گاه در مقابل [سخن] او حرفی نمی‌زد. raquo&

امام صادق علیه‌السلام هم فرمود: 171#& مَا مَشَى الْحُسَيْنُ بَيْنَ يَدَيِ الْحَسَنِ (ع) قَطُّ وَلَا بَدْرَهُ بِمَنْطِقٍ إِذَا اجْتَمَعَ تَعْظِيمًا لَهُ؛ (5) امام حسین علیه‌السلام

به دلیل احترام به امام حسن علیه‌السلام، هرگز جلوتر از او راه نمی‌رفت و هنگامی که با هم بودند، در سخن گفتن [در بین جمع] از امام حسن (ع) پیشی نمی‌گرفت. raquo&

آری، حضرت سید الشهداء علیه‌السلام با آن جلالت و بزرگواری خویش، در مقابل رفتار و گفتار حضرت مجتبی‌علیه‌السلام در مدت امامت آن حضرت، تسلیم محض بود.

* تربیت در جامعه امروزی

امروزه موضوع تربیت، در جوامع و خانواده‌های مسلمان، مورد توجه است و هر پدر و مادری آرزو می‌کند که فرزندان خود را طبق رهنمودهای صحیح و اصول و ارزشهای الهی تربیت کند و در نهایت، فرزندی رشد یافته و کارآمد داشته باشد؛ بلکه اهداف عالی و اخلاقی تعلیم و تربیت از مهم‌ترین دغدغه‌های جهانی نیز است. سازمان ملل متحد در بند 2 از

ماده 26 اطلاعیه جهانی حقوق بشر، چنین مقرر داشته است:

تعلیم و تربیت باید به توسعه شخصیت انسان و تقویت و احترام

به حقوق بشر و آزادیهای اساسی منجر شود و تفاهم و اغماض و مودت را بین کلیه ملل و دسته‌های نژادی و مذهبی به‌وجود آورد و

باعث پیشرفت فعالیت‌های ملل متحد در راه حفظ صلح شود. (6)

*عوامل تربیت از منظر امام حسن (ع)

در بررسی موضوع تربیت، یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی که توجه اندیشمندان علوم تربیتی را به خود جلب کرده است، عوامل و نقش‌آفرینان در عرصه تربیت‌اند. عوامل تربیت را می‌توان از چشم‌اندازهای مختلفی، تجزیه و تحلیل کرد که در این بخش به بررسی عوامل تربیتی با توجه به سیره و سخن حضرت امام حسن علیه‌السلام می‌پردازیم:

یک- اعضای خانواده

خانواده از مهم‌ترین عوامل نقش‌آفرین در عرصه تربیت از نظر وراثت و محیط است. مهم‌ترین هدف از تشکیل آن، ایجاد و پرورش نسل جدید و هدایت آن به سوی اهداف عالی تربیتی است.

خانواده، کانون مقدسی است که در پرتو پیوند زناشویی دو انسان، پایه‌گذاری شده است و با پدید آمدن فرزند، جلوه‌ای نو به خود می‌گیرد. نتیجه این پیوند، فرزندی است که هر کدام ممکن است بر اثر تأثیرگذاری خانواده در آینده، سرباز یا سرباز جامعه باشند. روان‌شناسان اجتماعی، خانواده را یکی از پاسداران آثار تمدن و فرهنگ جوامع مختلف انسانی می‌دانند.

پی‌نوشت‌ها:

(1). بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء،

1403 ق، ج 28، ص 39.

(2). شواهد التنزیل، قاضی ابو القاسم حاکم حسکانی نیشابوری،

مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، 1411 ق، ج 1، ص 76.

(3). تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، دار الفکر، 1404 ق، ج 2، ص 259.

(4). بحار الأنوار، ج 43، ص 319.

(5). مشکاة الأنوار فی غرر الاخبار، فضل بن حسن (نوه شیخ طبرسی)، نجف، نشر حیدریة، 1385 ق، ص 170، الفصل السابع عشر فی إکرام الشیوخ.

(6). تربیت اسلامی، جمعی از نویسندگان، ش، قم، کتاب دوم، ص 204.